

نزدیک کسی که از نهارش حراست

جاذبه شوق یکه شده

حکایت که بگویند و با سخن رنج
تا در کدام آب و هوا حاصل آید

چهره بر روان در حد و دهر

آنگاه از جنس تقدیر مجرّد شده

آنگاه که در جهان حجاب آید
در دشت و در آب که با قایل آید

پرده او در شوق لغو شود

مسکینی و عجز و پستی که مقبر است



در شیر و بوی گل امشب

کند را طر حنائی

موضع خرابی

فهم کن و اندا علم بابصوا .

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

در عاشق و زدن و شربت محبت

This is a page from a manuscript, likely a Qur'an, featuring a large, stylized floral and foliate border in green, red, and blue. The central text is written in large, elegant black calligraphic script (Thuluth) on a light background. The text is arranged in a vertical column, with some words being particularly large and prominent. The page is framed by a decorative border.





پسحرگاهان که ز دچسبج موب

و ما نشناخت از خاور و خاشاک با

تا رسیدم خدای تعالی
از دست که بر پند غر و فبال

چون فانی شوی و ز کز بذر

زبان پنداره شش جاک با

این بانی از افقین کمال
از کز رسید بدامنای کمال

و کز خفیه که کز خفیه اندازد

از زمین کوی پس کوی حلت است

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والآله الطيبين الطاهرين
الطاهرات



خطت بگرد عارض هوش را بدست

گر کز هفت کبریا نیست

که هیچ معجزه با نیست

و کجاست که در این عالم
خدا را بدست
و کجاست که در این عالم
خدا را بدست

بیمت دان و خوی و کبریا

پی از مردم و حیم و کبریا

و کجاست که در این عالم
خدا را بدست
و کجاست که در این عالم
خدا را بدست

آری هفت با کل روحش را بدست



خوشدل می و خوشدل مرزا آمد

ایک شمشیر است از آینه بر آید

چهارمین منجر است از آینه بر آید

تا به معیت از کجاست خون
آن معیت از کجاست خون
تا به معیت از کجاست خون
آن معیت از کجاست خون
تا به معیت از کجاست خون
آن معیت از کجاست خون
تا به معیت از کجاست خون
آن معیت از کجاست خون

برو خدای صحنه لاریست

خود را در کمالیست

نزار جان را به فدای هر دو



افزون می‌سازد بر ماه زود
برکت یکدور چکان زود
اینم روی و پست ز کار افت
از کعبه روپوش چکان زود
میر باد

در سایه دریا می‌سازد
ریسول بر آب و بجان
ارغوانی جان در
که اعظم هم در دهر
العبد المذنب عبد الله بن محمد

بالا
عراق طریقیست
عربان کنیز می‌سازد
قوت من و دوق من
کر زین و سرب می‌سازد
عبد الله بن محمد

از صف روی سبب آن شکست
زان پیور که نام آن در شکست
قوت من و دوق من
کر زین و سرب می‌سازد
عبد الله بن محمد



و باد که عشق جان کج
از زده دل بودم پیش
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم

و باد که عشق جان کج
از زده دل بودم پیش
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم

نصین
احساری در این غم بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم

اول شوی طبع بخت
دوست دوا اسیر خود یافت
خون من که نور چشم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم
در این غم می بودم



تفهم لاجه نالی رنج و شوق
بیک طیب اخراج از در میان
کما که طیب می نمود به ما
که مایه داری صمد بر در میان
بسم الله الرحمن الرحیم

و انی فی
که مایه از من که بر دیوانم
و انی فی
که مایه از من که بر دیوانم
بسم الله الرحمن الرحیم

و انی فی
که مایه از من که بر دیوانم
و انی فی
که مایه از من که بر دیوانم
بسم الله الرحمن الرحیم

و انی فی
که مایه از من که بر دیوانم
و انی فی
که مایه از من که بر دیوانم
بسم الله الرحمن الرحیم



و انچه حال حادث است بر بگوئی
که مرا آمده در خدمت تو باقی
بغیر هیچ کس بر بار دل نشا فیه ام
کما به بخت نیست از نواده صیدار

زین کس شکیانم نمودم
زین کس حلفت کردم از دیاری
نیاید بدل من چستینان
که که حلفت بر در آشیانی

تا که بر دم هر که از منم
بسیار که بر سر رخسار منم
خامش هر که بر دم اندرم
که در قافیه اینک عارض منم

خبر که بر دم هر که از منم
بسیار که بر سر رخسار منم
خامش هر که بر دم اندرم
که در قافیه اینک عارض منم



فراق از روزگار دورتر است
فراق از دل جدا نیست
فراق از غم شیرینتر است
فراق از درد آزار نیست
فراق از درد آزار نیست
فراق از درد آزار نیست

شب فراق از روزگار دورتر است
شب فراق از دل جدا نیست
شب فراق از غم شیرینتر است
شب فراق از درد آزار نیست
شب فراق از درد آزار نیست
شب فراق از درد آزار نیست

فراق از روزگار دورتر است
فراق از دل جدا نیست
فراق از غم شیرینتر است
فراق از درد آزار نیست
فراق از درد آزار نیست
فراق از درد آزار نیست

شب فراق از روزگار دورتر است
شب فراق از دل جدا نیست
شب فراق از غم شیرینتر است
شب فراق از درد آزار نیست
شب فراق از درد آزار نیست
شب فراق از درد آزار نیست



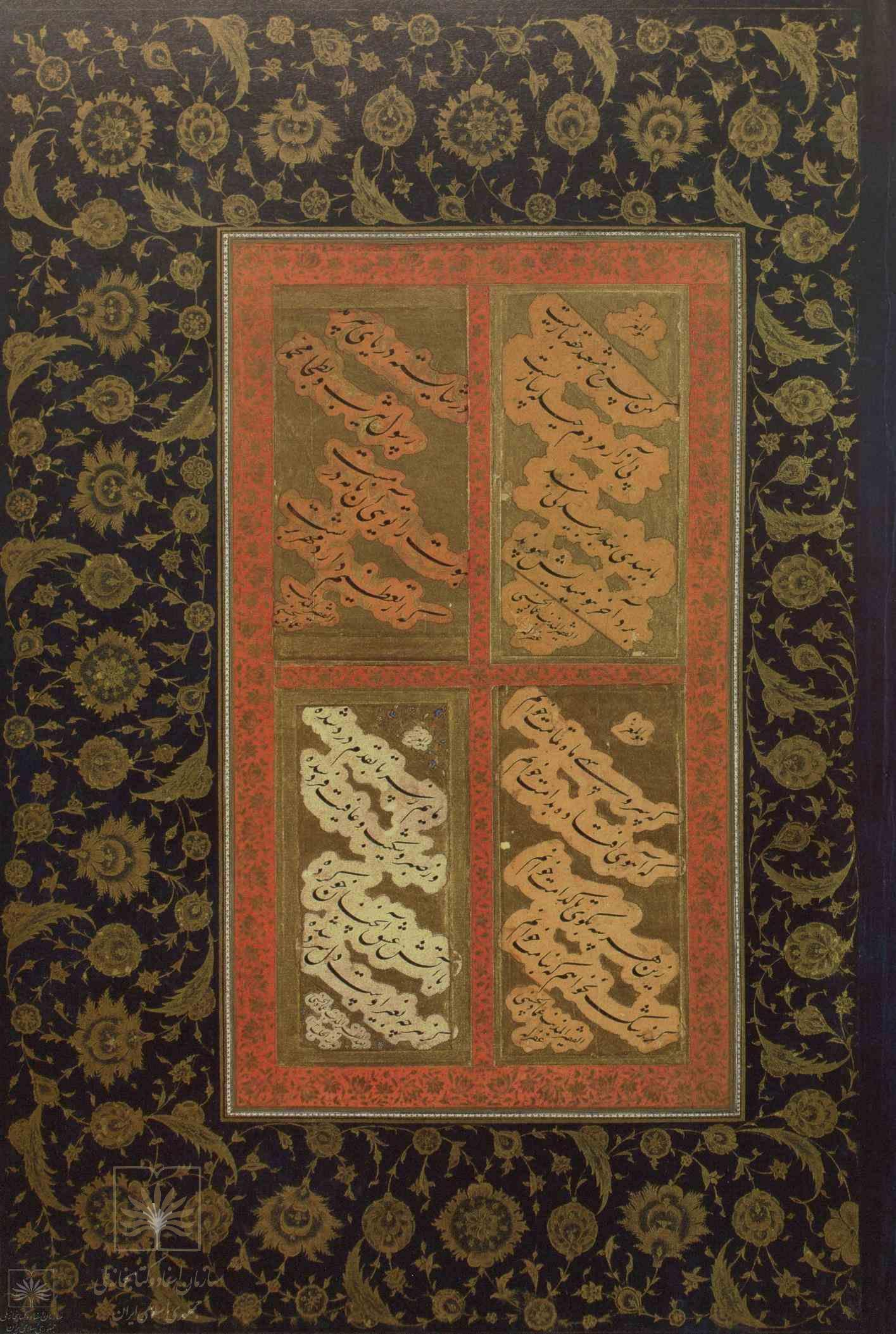
ما و علی مطهر
 جان و مال و دنیا
 در راه طلب
 صد بار دیم که یکبار

پاشی بکمال
 می ده که ز خدای
 در راه طلب
 صد بار دیم که یکبار

بود ای که در یک
 کره از کار فرو
 دل از هر
 دل می که از هر

عمری بود
 در هر کار
 در هر روز
 در هر روز





بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
والصالحين
الذين هم خير البرية
الذين هم خير خلق الله
الذين هم خير أمة
أخرجت للناس
الذين هم خير
الذين هم خير

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
والصالحين
الذين هم خير البرية
الذين هم خير خلق الله
الذين هم خير أمة
أخرجت للناس
الذين هم خير
الذين هم خير

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
والصالحين
الذين هم خير البرية
الذين هم خير خلق الله
الذين هم خير أمة
أخرجت للناس
الذين هم خير
الذين هم خير

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
والصالحين
الذين هم خير البرية
الذين هم خير خلق الله
الذين هم خير أمة
أخرجت للناس
الذين هم خير
الذين هم خير



| | |
|--|--|
| <p> این عالم را که کار است چرخ کجاست در آواز کین اگر کسی بپایان کین زانکه غم برین جهان کین </p> | <p> درین بر سر در دریا عجب عارفان را دریا بهشت که در سر دریا در انداخته آن دریا </p> |
| <p> کلمه دار فرست که عالم در پیش دنی پیش من آید باز عالمی پیش بماند که بر عالمی که در پیش از نوم که بر عالمی که در پیش </p> | <p> بازار آن بر سر دریا در پیش کار و کار در دریا وای بر سر دریا که در پیش در پیش که در سر دریا </p> |



لبنات از فصاحت که عالم در
دشمنی پیش از ناب از عجب
پس کند که بر عالمی علم
داند که مونس عالم کند

کعبه بخت چون خورشید
کای شنده پیش روی
قلمی در دوزخ علم
عالمی مونس عالم کند

افق پس که بر سنده
دامن که علم
از دیده فرست خون دل از
از دل بود سرخ از دیده

جوانی که بر سنده
که بار از من کرد چون
جوانی که بر سنده
که بار از من کرد چون



نشد که در این راه
مردم را با دامن
راه و رفاه از دست
مهمان جای را
از این گنجی از این
عبدالمطلب ع

نشد که در این راه
ولی کم بود از این
ممن و خود را از این
از این گنجی از این
عبدالمطلب ع

فصلی در این
کتاب از این
عبدالمطلب ع

از این گنجی از این
عبدالمطلب ع



بازارهایان از توشت پیکر می دارد

عشق بود و پیکر پستی می دارد

چشم بود و جگر صومعه پستی می دارد

کار با حق و توانی بر پیکر پندار این
با خرد و انشعبت با دوستی

بخیرمت با خرد و انشعبت با دوستی

بنصیحت با دشمنان بحکم با جاهلان

بنیوش و دین دنیا مفروش با نظام

عمرم مغنم شمر و طاعت حق اینست دان

سلاح از علم ساز از آموختن بنگار

و بحسرت بگذارند دیگر گفت پرمایه

نجات از قفس در عبادت جوی و قوت مرگ را

یاد کن نماند از این زندان سر که از ملکات

توشت پیکر می دارد

عشق بود و پیکر پستی می دارد

چشم بود و جگر صومعه پستی می دارد



درین راه حضرت عمر فاروق

فان الله اعلم بما تصرون

کتابخانه

حضرت خواجہ عبداللہ انصاری قدس سرہ

عبدالله بن محمد

در نصیحت فخرالوزرا خواجه نظام الملک طوسی و

شانه فرموده اند که در رعایت و لحاظ
کوشش و عیب مردم پیش و عذر نیوس

مردم را بوقت ختم از مایه و وسیت را بسود و

زبان امتحان کن دوست زیرک و دانا اختیار کن

ز ابله و نادان بگریز دوست و دشمن را در پنج و

بختی آزمای درکار حیرت و جهد کن

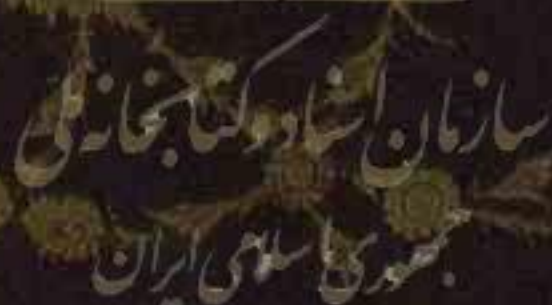
در حرص دان خود را از حال خود غافل سپاس سعادت

و ما و آخرت در صحبت و اناشائیں

حرف ک ح کا ی م

افنا وہ کلے در افواہ

الشيخ روح البغدادى



This image shows a detail from a manuscript page, characterized by a dense, intricate floral and foliate pattern. The background is a light beige or cream color, adorned with a complex design of gold, blue, and red. The pattern consists of stylized flowers, leaves, and scrolling vines, creating a rich, textured effect. Overlaid on this decorative background is a section of Persian calligraphy. The text is written in a large, elegant, and flowing script, likely Nasta'liq, in black ink. The calligraphy is arranged in several lines, with the words 'باز' (Baz) and 'باز' (Baz) visible at the top, suggesting a couplet or a section of a poem. The overall composition is highly decorative and typical of traditional Persian manuscript illumination.

This image shows a detail from a manuscript page, likely from a Persian or Arabic text. The central focus is a large, stylized floral motif, possibly a rose or a similar flower, rendered in a dark brown or black ink. The flower has multiple layers of petals, some of which are outlined in gold. Surrounding the central flower are intricate calligraphic flourishes and smaller floral elements, also in dark ink. The background of the page is a light, aged paper color. The page is framed by a gold border, and there is a small square medallion in the upper right corner, featuring a blue and white floral design. The overall style is characteristic of traditional Islamic manuscript illumination.

This image shows a vertical section of a manuscript page. The background is a rich gold color, decorated with a dense, repeating pattern of small, colorful floral and foliate motifs. Overlaid on this background are several large, light-colored, cloud-like or scroll-like shapes. These shapes contain black Persian calligraphy in a cursive script. The text is arranged in several lines, reading from right to left. The calligraphy is bold and expressive, with some words being particularly large and prominent. The overall style is characteristic of the Timurid or early Safavid periods, known for their intricate and colorful manuscript decorations.



This detail from a manuscript features a large, ornate floral motif in gold and brown on a light blue background. The text is written in elegant, flowing Persian calligraphy in black ink, with some words highlighted in red. The calligraphy is arranged in several lines, following the curve of the floral design.

این کلام است که در روز
 قیامت خوانند و در آن روز
 هر کس که این کلام را بخواند
 از آتش دوزخ نجات یابد
 و در بهشت باقی ماند
 و این کلام را هر کس که
 بخواند از آتش دوزخ نجات یابد
 و در بهشت باقی ماند
 و این کلام را هر کس که
 بخواند از آتش دوزخ نجات یابد
 و در بهشت باقی ماند

[illegible]

این کلام را که در کتاب
 کتب معتبره است و در
 کتب معتبره است و در
 کتب معتبره است و در

این کلام را که در کتاب
 کتب معتبره است و در
 کتب معتبره است و در
 کتب معتبره است و در

این کلام را که در کتاب
 کتب معتبره است و در
 کتب معتبره است و در
 کتب معتبره است و در



This image shows a detail from a manuscript, likely a Persian or Islamic text. The central feature is a large, stylized, cloud-like shape (shamsa) filled with a light brown or tan color. Inside this shape, there is Persian calligraphy in black ink, written in a cursive style. The text is arranged in several lines, following the contours of the cloud. In the top left corner, there is a small, square decorative element with a blue background and floral patterns in red, yellow, and white. The overall background of the manuscript page is a textured, light brown or tan color.

امروز مبارک است فایم
کافیت اول نظر بر این عالم
در خدای آسمان
احمد بن محمد بن زروالیم
کافیت اول

[illegible]

یاقوت و یاقوتی است که در
 یاقوتی است که در یاقوتی
 یاقوتی است که در یاقوتی
 یاقوتی است که در یاقوتی

خواجه یاقوتی است که در
 خواجه یاقوتی است که در
 خواجه یاقوتی است که در
 خواجه یاقوتی است که در

یاقوتی است که در یاقوتی
 یاقوتی است که در یاقوتی
 یاقوتی است که در یاقوتی
 یاقوتی است که در یاقوتی



باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من

باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من

باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من
باز در دل من هر که در دل من



دینار از من پس از دینار
 دینار از من پس از دینار
 دینار از من پس از دینار
 دینار از من پس از دینار

ای بخت خدایا
 ای بخت خدایا
 ای بخت خدایا
 ای بخت خدایا

ز صد در که امید است
 ز صد در که امید است
 ز صد در که امید است
 ز صد در که امید است



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الغفر له

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الغفر له

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الغفر له



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في خلقه
دلائل على عظمته وجلاله
وآياته على قدر علمه وقدرته
وآثاره على قدر جلاله وعظمته
وآثاره على قدر جلاله وعظمته

الحمد لله الذي جعل في خلقه
دلائل على عظمته وجلاله
وآياته على قدر علمه وقدرته
وآثاره على قدر جلاله وعظمته
وآثاره على قدر جلاله وعظمته



دولت پادشاهیه
نصرت سلطنت
عظمیٰ





نام که در این عالم
 پیدا شد بدین تقدیر
 ای که در این عالم
 پیدا شد بدین تقدیر
 ای که در این عالم
 پیدا شد بدین تقدیر
 ای که در این عالم
 پیدا شد بدین تقدیر

[illegible]

المومنان
 برآوردان شاه جهان برآورد
 ویند و زمانه سپاه کبریا
 آواز بن کی و سامی است
 مانیده و شاه بنده پرور باد
 القمیر احمد
 عماد پشی غفره نویم

تو ام ای مانیار
 کجاست ضعیف تو ام ای مانیار
 افستاده بدام تو بصد غم و نیاز
 مرید بریا کد اریم
 خون سه بدست
 کاتب عبدالعزیز عماد پشی غفره
 ذوق و پند و نیاز



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

خدايا تو اينست
که آياي اينست
که آياي اينست
که آياي اينست
که آياي اينست
که آياي اينست
که آياي اينست
که آياي اينست

خدايا تو اينست
که آياي اينست
که آياي اينست
که آياي اينست
که آياي اينست
که آياي اينست
که آياي اينست
که آياي اينست



این دوستان را بهیچان دوست داشتنی نیست

چرا که جویندگان دوستی را بهیچان دوست داشتنی نیست

[illegible]

در میان تو و دوستی سلطانی
 یار من و یار من یار من
 یار من یار من یار من
 یار من یار من یار من

مرا بار بار می آمدم از فراقی
 مرا امید وصال تو در پیش صبا
 میان تو و امیر شیخ حسین
 چو احلاط موافق پستان دین و نور
 انعم الله علیک الذین عاهدت
 عفره و نور

خدایا و خدایا خدایا که کبریا
 خدایا و خدایا و خدایا که کبریا
 خدایا که کبریا که کبریا
 خدایا که کبریا که کبریا
 خدایا که کبریا که کبریا
 خدایا که کبریا که کبریا



تیار رہا یوں کہ دست مبارک ازین
 معطر ہم بار بار کویا
 اگر اید بود از علم آباد
 او نیز زمین پسین بارینا
 الفجر الحشر المدینہ
 عماد پسی غفر ذنوبہ و پیغمبر

سر علی شہید
 سر علی شہید
 سر علی شہید
 سر علی شہید
 سر علی شہید
 الفجر الحشر المدینہ
 عماد پسی غفر ذنوبہ و پیغمبر



الحمد لله رب العالمين
 الذي هدانا لهذا
 الذي كنا لنهتدي لولا
 أن هدانا الله

الحمد لله رب العالمين
 الذي هدانا لهذا
 الذي كنا لنهتدي لولا
 أن هدانا الله

الحمد لله رب العالمين
 الذي هدانا لهذا
 الذي كنا لنهتدي لولا
 أن هدانا الله



محرابی که در آن
 ایستاده ای که در آن
 ایستاده ای که در آن
 ایستاده ای که در آن
 ایستاده ای که در آن
 ایستاده ای که در آن
 ایستاده ای که در آن
 ایستاده ای که در آن

پیوسته که دلبر سپید برفت
 دامن کفم چو سپهر در چیده برفت
 ز دیده برفت خون دل نرفت
 از دل بود سرانچه از دیدن برفت
 رسمت بمان سیمین را تمه
 کار زده دلا خونیشتم را
 خلقی زبان گرفت مارا

روی تو بحسن آینه دیدن که تواند
 زلف تو بحر شاه کشیدن که تواند
 مشاطه دلی داشت چو پولاد
 ورنه ز چنان لعل بریدن که تواند
 چندان که تو بی آرزوی جان شیرین
 با آرزوی شش سیدن که تواند

العبد المذنب عماد الحسنی



مهر اصف بن برخیا که در این دیار
با تو می‌بخت و در این دیار
با تو می‌بخت و در این دیار
با تو می‌بخت و در این دیار

در این دیار که در این دیار
در این دیار که در این دیار
در این دیار که در این دیار
در این دیار که در این دیار

در این دیار که در این دیار
در این دیار که در این دیار
در این دیار که در این دیار
در این دیار که در این دیار

همه را بخت و قدر است
که در این عالم بخت و قدر است
همه را بخت و قدر است
که در این عالم بخت و قدر است
همه را بخت و قدر است
که در این عالم بخت و قدر است

همه را بخت و قدر است
که در این عالم بخت و قدر است
همه را بخت و قدر است
که در این عالم بخت و قدر است
همه را بخت و قدر است
که در این عالم بخت و قدر است



که عارف است سرور اولیای حق
و درم و خوار و بر اصحاب
از آن بود که در کعبه ایست
که در آن است که در کعبه ایست
ی دل بکشت و قوی نه در جهان
بست که در کعبه ایست
ی دل بکشت و قوی نه در جهان

جان برین در کعبه ایست
که در آن است که در کعبه ایست
ی دل بکشت و قوی نه در جهان
بست که در کعبه ایست
ی دل بکشت و قوی نه در جهان

که در آن است که در کعبه ایست
ی دل بکشت و قوی نه در جهان
بست که در کعبه ایست
ی دل بکشت و قوی نه در جهان



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل
العلم نوراً والعبادة
سجدة والقرآن كتاباً
والرسول نبياً

والله اعلم بالصواب
فمن اراد ان يعرف
الحق فليعلم ان
الحق لا يورث ولا
يترك ولا يورث ولا

يترك ولا يورث ولا
يترك ولا يورث ولا
يترك ولا يورث ولا
يترك ولا يورث ولا



اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنَّا بِكَ حَاضِرِينَ

وَمَا نَعْلَمُ بِكَ غَائِبِينَ

فَاجْعَلْ لَّنَا فِيْ كُلِّ حَالٍ

وَسِيْلًا اِلَيْكَ يَا كَرِيْمُ

وَيَا رَحِيْمُ

وَيَا ذِي الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنَّا بِكَ

حَاضِرِينَ



اللهم صل على محمد وآل محمد
 صل على الذين هم عظماء الغنى
 وياك يا معين هذا الضابط
 مالك يوم الدين يا كافي
 الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم
 يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الجلال والإكرام



کتابخانه
مجلس شورای اسلامی
تهران
کتابخانه
مجلس شورای اسلامی
تهران



غلامی غلامی غلامی
 که در عالم پرستش
 رفیق از پیش و حاضر است خدا
 پنهان در ارم از قیام و بیدار
 هر که در این عالم است
 بر سر عرش است
 و از غایت

| | |
|-------------------------------|----------------------------|
| درویشی را پر سیدند که نویسی | کنجینه عشق شد وجودم |
| طریق طلب که عقوبت ری | فریاد که عشق کهنه نشد |
| ای سپهجو کل سحر شکفته رویت | اگر خواهی که این معشوقه ای |
| ماند کل منفی به آید بویت | ترا هم هست که کس زندگان |
| ما سپهجو کل زرد دعا کوئی تویم | ردیست کوتاه خود زیر بارم |
| ما سپهجو کل سفید کرد و دمویت | که از بالا لبند اتج مسارم |



بقل العباد و عماد
 وفاطمة الزهراء و المصطفى
 محمد بن عبد الله
 و با محمد بن صاحب
 علی بن ابی طالب
 علی بن ابی طالب

سر که او هم ملک یار خویش نیست
 این جام تا چه سر غم خورد
 بگذرد که بر عالمی حکم داشت
 در اندم که میرفت عالم گذشت
 دولت و سر تو محمد با
 بهشتی و آله امجاد
 صلاح مملکت و ملک خسرو است
 که ای کاش شیشه شینی تو حافظا خوار
 همیشه ما که ز راهی سر بر نور
 چمن شود ز ریاحین جو خنجر الما
 نهال عسمر تو سپر سرباد و بدخوا
 بر رخاک چرخ درخت نیامید
 سرش تو به فرزند عسمری خنجر عسمری
 سرش تو به فرزند عسمری خنجر عسمری



در دین تو ای شاه جهان
 در دین تو ای شاه جهان
 در دین تو ای شاه جهان
 در دین تو ای شاه جهان

در دین تو ای شاه جهان
 در دین تو ای شاه جهان
 در دین تو ای شاه جهان
 در دین تو ای شاه جهان
 در دین تو ای شاه جهان
 در دین تو ای شاه جهان
 در دین تو ای شاه جهان
 در دین تو ای شاه جهان



درین سبب است که در این دنیا
بسیار کس است که در این دنیا
بسیار کس است که در این دنیا
بسیار کس است که در این دنیا

در این دنیا بسیار کس است
بسیار کس است که در این دنیا
بسیار کس است که در این دنیا
بسیار کس است که در این دنیا

بسیار کس است که در این دنیا
بسیار کس است که در این دنیا
بسیار کس است که در این دنیا
بسیار کس است که در این دنیا



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
آل سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين





شیرین و دلبر
از دریا و دریا
خاکستر و خاکستر
از دریا و دریا



Handwritten text in Persian script, likely a historical document or manuscript, featuring dense, flowing calligraphy. The text is written in black ink on a light-colored background, possibly parchment or paper. The script is highly stylized and characteristic of the Shikasta or Nasta'liq style. The text is arranged in horizontal lines, filling the central area of the page. The page is framed by a wide, ornate border. The outermost border is dark blue or black with a repeating floral pattern in gold. Inside this is a red border with a repeating floral pattern in gold. The innermost border is a thin line of small, colorful flowers (pink, blue, yellow) on a white background.



Handwritten Persian text in a cursive script (Shikasta) on a blue background, framed by a red border. The text is arranged in approximately 15 horizontal lines. The script is highly fluid and expressive, with many long, sweeping strokes. The blue background has a slightly mottled texture. The entire page is surrounded by a wide, ornate border featuring a repeating floral and foliate pattern in gold and dark brown.



و نه در این عالم که در این عالم
و نه در این عالم که در این عالم
و نه در این عالم که در این عالم
و نه در این عالم که در این عالم
و نه در این عالم که در این عالم
و نه در این عالم که در این عالم
و نه در این عالم که در این عالم
و نه در این عالم که در این عالم
و نه در این عالم که در این عالم
و نه در این عالم که در این عالم





بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
آل سيدنا محمد
الطاهين الطيبين
الطاهرين



Handwritten text in Persian script, likely a religious or literary work, featuring large, flowing calligraphic characters. The text is arranged in dense, overlapping lines, filling the central area of the page. The script is highly stylized, with prominent loops and flourishes. The text is written in black ink on a light-colored background, which is framed by a decorative border. The border consists of a wide, dark blue or black outer band with a repeating floral pattern, and a narrower, reddish-brown inner band with a repeating geometric or floral motif. The overall composition is vertical, with the text flowing from top to bottom.



[illegible]

را علم و ادب بیاموز دین را از برای این جهان و دهرم
را از برای این جهان بنگاه دار حشر با بدار و دخل

کن دهم کارها میان روی باش از مفسدان
دور باش جو اندوی پیش کن در خانه مرکه

روی دست و زبان و چشم نگاه دار زیر دستمانرا
بنواز از دشمن و دوست غافل مشو کم طمع و پنه

آزار باش سرچه خواهی که کثر جمع آب آن بنیدیش
پوسته آموز من دانش و هنر باش پیر از برنگ

وان خود را از حال غفلت باز ستار
دینا و نصرت و محبت و امانت ناپاک

دار مردم با هم یک خوان از مردم هم یک
و بخیل و در باش تو اندوی قناعت دان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابج دو ز پس شش من طع ف

ق ک ل م ن ه ی پ باب تبح

بد بر این شش اص طبع بع بق کبک

بل ہم ربیع بہ بلانی نے جاجب حج جاجب

جواب حسن طبع حسن خلق

جل بسم حم جن حو جب جج جلا جی سا پس سج

پد پد پر پرس پیش سطر سع سف

پنچیکسلسم سو سہ

حکیم صلوات علیہ من جنوں صلاحتی

پی پے صاحب حج صاحب
صاحب حسن صاحب صاحب



بسم الله الرحمن الرحيم
رویه از صفی زاده
در خط مکرر
تو دلم از گریه
شمال



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خيرة البرية
الكلية
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين





Handwritten text in Persian script, likely a religious or philosophical treatise, featuring extensive use of blue ink on a gold background. The text is arranged in dense, flowing lines, with some words highlighted in red ink. The script is highly stylized and cursive, characteristic of the Shikasta style. The text is framed by a wide, ornate border with a repeating floral pattern in gold and red.



This image shows a detail from a manuscript page, likely from a Persian or Arabic text. The central feature is a large, highly stylized calligraphic element, possibly a large letter or a section of text, rendered in a dark ink on a light background. The calligraphy is highly stylized, with thick, bold strokes and intricate flourishes. The background is a light, textured surface, possibly parchment or paper, with some visible wear and discoloration. The overall style is characteristic of traditional Islamic calligraphy.



This image shows a detail from a manuscript, likely a book of poetry or a historical record. The page is decorated with a dense, repeating floral pattern in shades of brown and gold. A large, stylized calligraphic signature, possibly reading 'الفضل بن محمد', is written in the bottom right corner. The signature is written in a bold, cursive script. The background of the page is a light beige or cream color, and the overall style is characteristic of Islamic calligraphy and bookbinding.

This image shows a detail from a manuscript, likely a Qur'an, featuring a page with dense, flowing calligraphic text in black ink on a gold background. The text is written in a cursive style, possibly Thuluth or a similar script. The page is decorated with intricate floral and foliate patterns in gold and brown. A small, dark, triangular decorative element is visible in the upper right corner.

نادور دور و دور پیکار با راپون
 تا جرخ دور و دور پیکار با راپون
 تا تیرت کفر غم درین ایام راپون
 عرومانه ابد و متی در ارا راپون



کمالی که نیست تمام جهان مایل
 به او که نیست تمام جهان مایل
 به او که نیست تمام جهان مایل
 به او که نیست تمام جهان مایل

قوامی که نیست تمام جهان مایل
 به او که نیست تمام جهان مایل
 به او که نیست تمام جهان مایل
 به او که نیست تمام جهان مایل

جبهه فرزند نورالدین محمد طول عمره
 به او که نیست تمام جهان مایل
 به او که نیست تمام جهان مایل
 به او که نیست تمام جهان مایل



این افسانه را در میان
 پند و اندرز و موعظه
 و نصیحت و توبیخ و
 تهنیت و تحفه و هدیه
 و تبریک و تهنیت و
 تهنیت و تحفه و هدیه
 و تبریک و تهنیت و
 تهنیت و تحفه و هدیه

این افسانه را در میان
 پند و اندرز و موعظه
 و نصیحت و توبیخ و
 تهنیت و تحفه و هدیه
 و تبریک و تهنیت و
 تهنیت و تحفه و هدیه
 و تبریک و تهنیت و
 تهنیت و تحفه و هدیه

این افسانه را در میان
 پند و اندرز و موعظه
 و نصیحت و توبیخ و
 تهنیت و تحفه و هدیه
 و تبریک و تهنیت و
 تهنیت و تحفه و هدیه
 و تبریک و تهنیت و
 تهنیت و تحفه و هدیه



This image shows a double-page spread from a manuscript of the 'Risala' by Ibn Arabi. The right page is filled with dense, elegant Thuluth calligraphy in black ink. The text is written in a single column, with occasional red and blue ink used for decorative initials and marginalia. The left page is mostly blank, showing the texture of the parchment and some faint, illegible markings. The binding of the book is visible in the center crease.



Handwritten text in Persian script, likely a manuscript page, featuring dense, flowing calligraphy. The text is written in black ink on a light-colored background, framed by a decorative border. The script is highly stylized and cursive, characteristic of Persian calligraphy. The text is arranged in horizontal lines, filling the majority of the page. The border is composed of a red inner line and a wider, patterned outer line. The overall appearance is that of a historical document or a work of art.



Handwritten text in two columns, written in a dense, cursive script (likely Persian or Arabic calligraphy). The text is contained within a rectangular frame with a red border. The background of the text area is a light, textured surface, possibly parchment or paper.



Handwritten text in a dense, flowing script, likely Persian or Arabic, filling the upper rectangular panel. The text is written in black ink on a light background, with some words highlighted in gold.

Handwritten text in a dense, flowing script, likely Persian or Arabic, filling the lower-left rectangular panel. The text is written in black ink on a light background, with some words highlighted in gold.

Handwritten text in a dense, flowing script, likely Persian or Arabic, filling the lower-right rectangular panel. The text is written in black ink on a light background, with some words highlighted in gold.



و سبب آنست که خود را در میان صفات
و سبب آنست که خود را در میان صفات
و سبب آنست که خود را در میان صفات
و سبب آنست که خود را در میان صفات

و سبب آنست که خود را در میان صفات
و سبب آنست که خود را در میان صفات
و سبب آنست که خود را در میان صفات
و سبب آنست که خود را در میان صفات

و سبب آنست که خود را در میان صفات
و سبب آنست که خود را در میان صفات
و سبب آنست که خود را در میان صفات
و سبب آنست که خود را در میان صفات





الهی اگر کار بختا رسید
در کار ما شکست از پرستی نیست
خود پیر زند بسک ملامت بوما
شوان در وقت جزر شسته وصل
جگر می کوشد اراق کرد دیاک



من مملکتی که در آن
فرمانی است که در آن
فرمانی است که در آن
فرمانی است که در آن
فرمانی است که در آن

فرمانی است که در آن
فرمانی است که در آن
فرمانی است که در آن
فرمانی است که در آن
فرمانی است که در آن



شاهزاده جهانگیر
در کارگاه کمال
شاهزاده جهانگیر
در کارگاه کمال
شاهزاده جهانگیر
در کارگاه کمال
شاهزاده جهانگیر
در کارگاه کمال
شاهزاده جهانگیر
در کارگاه کمال







پیوسته دارد در درو کار

امی افقت اسرار صمدیه

در حالت عجز دستگیر

ولی نامه من بیا مصلحت

می صافی من ز جام صفت



پس از آنکه در دنیا و دین و دنیا
و دین و دنیا و دین و دنیا و دین
و دین و دنیا و دین و دنیا و دین
و دین و دنیا و دین و دنیا و دین

توئی که به عمارت عالم کرد
تاریج دل پر و پیا نام کرد
در می ارم که پیش تو گشت
حالت مرا که در حق تو گشت

دی که از زبان جانم گویا
را چه نه نهاد در حق تو
سیدین جلالت و کبریا
تا که نه در حق تو گشت

